

غزل شماره ۱

۱. الایا ایها الساقی ادر کاسا وناولها
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها
۲. به بوی نافه ای کاخر صبا زان طره بکشاید
ز تاب جعد مشکیش چه خون افتاد در دل ها
۳. مراد منزل جانان چه امن عیش چون هر دم
جرس فریاد می دارد که بر بنید محل ها
۴. به می سجاده رنکین کن کرت پیرمغان گوید
که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزل ها
۵. شب تاریک و بیم موج و کردابی چنین مایل
کجا داند حال ماسکباران ساحل ها
۶. همه کارم ز خود کامی به بدنامی کشید آخر
نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفل ها
۷. حضوری گر، همی خواهی از او غایب شو حافظ
متی مالتق من تهوی دع الدنیا واهلها



بيت سوم

٢٠ بیت چہارم

[illegible]

[illegible][illegible]

بيت پنجم

ČetCI-íLĎŃjĭEneщkŏMl-ŇNěňGmŏSñeēč Í ĚĆGİEđŇjĭCCŅmm̄ | ČalŋhŋŋŋhŋkaıçŚdēEkŏŊćmŏnŋl-čšbcŏ e EłŃŃC IJ ňeōŇŠf .ĖamčēŲl-

[illegible]

٢٠٠٠

ČNĚ6fŕ»Eaiŕkč≠φGİÑNĖKčÑNĖKč,,MčččñjčnčēēIJrčŠđÉřčŇŇŇalčŇlčŇčŇdčŇđŕnĖGěň4ČžččĎčLěĚjčŇčĚň
.ÈčIčÈčňφ

[illegible]

Ĉ